

واکاوی انتقادی دیدگاه دکتر عبدالهادی حائری درباره شخصیت و رویکرد سیاسی شیخ عبدالکریم حائری

✉ **علیرضا جوادزاده** / استادیار گروه تاریخ اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

javadzadeh@iki.ac.ir

 orcid.org/0000-0009-0124-2371

m.sadegh.monzer@gmail.com

محمدصادق ابوالحسنی / پژوهشگر تاریخ تشیع و تاریخ معاصر ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

چکیده

بازتأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری موجب شهرت و اهمیت بیشتر این فقیه گردید. بر این اساس، در طول یکصدسال گذشته، شخصیت، اندیشه و مواضع سیاسی ایشان محور برخی گزارش‌ها، تحلیل‌ها و واکاوی‌های تاریخی بوده است. در همین زمینه، دکتر عبدالهادی حائری (نواده شیخ عبدالکریم و تاریخ‌پژوه) در یکی از آثار خود، به مناسبت، مطالبی را در خصوص آیت‌الله حائری بیان کرده است. از این مباحث، می‌توان یک ادعا و یک القا درباره شیخ عبدالکریم به دست آورد: (۱) ادعای شخصیت ذاتاً غیرسیاسی؛ (۲) القای ریاست‌طلبی. نوشتار حاضر با روش تاریخی (توصیفی و تحلیلی) به ارزیابی دو مطلب مذکور پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که اولاً، فاصله‌گیری ظاهری مؤسس حوزه قم از سیاست و عدم تقابل ایشان با رضاشاه، به معنای غیرسیاسی بودن شخصیت وی نیست، بلکه به شناخت ایشان نسبت به محیط سیاسی ایران آن عصر بازمی‌گشت و ریشه در دو مطلب داشت: (الف) سلطه انگلیس بر کشور؛ (ب) حفظ حوزه علمی تازه تأسیس قم؛ ثانیاً، وجود گزارش‌های متعدد و موثق که بیانگر ریاست‌گریزی، زهد و تواضع شیخ عبدالکریم حائری است، القای دکتر حائری را به‌وضوح به چالش می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: شیخ عبدالکریم حائری، دکتر عبدالهادی حائری، رضاشاه، تأسیس حوزه علمیه قم، دخالت در سیاست، قدر مقدور.

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م ۱۳۱۵)، از عالمان و فقیهان بزرگ شیعه، توانست در آغازین سال‌های قرن چهارده شمسی، با بازتأسیس حوزه علمیه قم، تأثیر زیادی در تاریخ تحولات ایران و تشیع برجای گذارد. آنچه اهمیت اقدام ایشان را بیشتر می‌کند، تلاقی آن با روی کار آمدن رضاخان در ایران و شکل‌گیری اقدامات به حاشیه‌برنده دین از یک سو، و تشدید سلطه استعمار بر کشور از سوی دیگر است.

رویکرد سیاسی آیت‌الله حائری یزدی به صورت عام و موضع ایشان در قبال رضاخان پهلوی به صورت خاص، محور برخی گزارش‌ها و تحلیل‌های تاریخی و سیاسی بوده است. به‌رغم آنکه نتیجه غالب گزارش‌ها و بررسی‌ها بیانگر فاصله‌گیری ظاهری ایشان از سیاست و عدم تقابل آشکار با رژیم پهلوی است، تحلیل‌ها از علت این امر، یکسان نیست. شاید بتوان تحلیل‌های ارائه شده از مواضع و رفتارهای سیاسی وی را در دو رویکرد کلان تقسیم‌بندی کرد:

۱. تحلیل‌هایی که علت دوری این فقیه برجسته از امور سیاسی و عدم تقابل با پهلوی را عمدتاً به ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه سیاسی ثابت وی (فارغ از اقتضائات محیط سیاسی خاص آن دوره) بازگشت می‌دهند.
۲. تحلیل‌هایی که علت اصلی فاصله‌گیری مؤسس حوزه قم از سیاست و عدم تقابل وی با رضاشاه را - نه اندیشه و شخصیت، بلکه - شناخت خاص ایشان نسبت به محیط سیاسی ایران آن عصر و سلطه انگلیس بر کشور می‌دانند و عملکرد ایشان را در چارچوب الگوی «قدر مقدور» و «تقیه» در جهت حفظ حوزه تازه تأسیس قم ارزیابی می‌کنند. از مهم‌ترین افرادی که ذیل رویکرد اول قرار می‌گیرند، دکتر عبدالهادی حائری (م ۱۳۷۲) است. آنچه اهمیت مطالب وی را درباره آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری بیشتر می‌کند، سه نکته است:

یکم. انتساب خانوادگی به مرحوم آیت‌الله حائری و در نتیجه، وجود زمینه و ظرفیت نقل‌های مستند در مطالب وی؛ دوم. مقام علمی و تجربه تاریخ‌پژوهی دکتر حائری در زمینه تحولات معاصر ایران و در نتیجه اعتبار تحقیقات وی در زمینه حاج شیخ عبدالکریم؛

سوم. القای انگیزه ریاست‌طلبی به آیت‌الله حائری از سوی دکتر حائری.

به‌رغم تحقیقات انتشار یافته درباره شخصیت، اندیشه و مواضع سیاسی شیخ عبدالکریم حائری و نیز با وجود برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره آثار دکتر عبدالهادی حائری، از جمله کتاب *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*^۱ تا کنون در خصوص مطالب و ادعاهای دکتر حائری درباره آیت‌الله حائری پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

۱. برای نمونه، رک: علیرضا جوادزاده، «نقد و بررسی کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، ص ۲۳-۵۵؛ ذبیح‌الله نعمیان، «ذهنیت حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، قسمت اول، ص ۱۱۹-۱۶۲؛ قسمت دوم، ص

نظر به اهمیت شناخت شخصیت و رویکرد سیاسی شیخ عبدالکریم حائری و نیز مباحث و ادعاهای ارائه شده توسط دکتر حائری، نوشتار حاضر با روش تاریخی (توصیفی - تحلیلی)، در قالب دو بخش اصلی، به گزارش و ارزیابی انتقادی مطالب دکتر حائری می‌پردازد و به صورت ضمنی، دیدگاه و رویکرد تحلیلی دوم درباره شخصیت و مواضع سیاسی آیت‌الله حائری، همچنین ریاست‌گریزی و زهد وی را اثبات می‌کند.

۱. گزارش

دکتر عبدالهادی حائری از تاریخ‌پژوهان و تحلیلگران ایران اسلامی، به‌ویژه دوره قاجار به شمار می‌رود. از وی آثار متعددی منتشر شده که در این میان برخی اهمیت و شهرت یافته است؛ از آن جمله است کتاب **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق**. این کتاب به زندگی و اندیشه سیاسی میرزا محمدحسین نائینی می‌پردازد و بر آن است تا مواضع و عملکرد علمای مشروطه‌خواه، به‌ویژه حوزه نجف در نهضت مشروطیت ایران را بر اساس فعالیت‌های مشروطه‌خواهی و نوشته‌های سیاسی میرزای نائینی بررسی کند.

فصل سوم این کتاب به سیر مراحل زندگی مرحوم نائینی اختصاص یافته است. در بخشی از این فصل، پس از بیان فعالیت‌ها و مبارزات نائینی و دیگر علما (از جمله مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی) با سیاست‌های انگلیس در عراق - و به صورت خاص امضای موافقتنامه‌ای که سلطه انگلیس را بر عراق به دنبال داشت - به تبعید آنها به ایران و اقامتشان در قم در سال ۱۳۰۲ پرداخته شده است. در این زمان، بیش از یک سال از ورود آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم و بازتأسیس حوزه این شهر می‌گذشت و حوزه قم - که تقریباً به مهم‌ترین حوزه ایران تبدیل شده بود - با مدیریت مرحوم حائری اداره می‌شد. طبعاً اقامت مرحوم نائینی و اصفهانی در قم نیز به سبب همین امر، یعنی اهمیت یافتن حوزه قم و جایگاه بالای مرحوم حائری بود یا - دست کم - این اهمیت و جایگاه تأثیری جدی در اقامت آن دو در قم داشت.

دکتر عبدالهادی حائری - که نواده دختری شیخ عبدالکریم حائری است - در این قسمت، به مناسبت، به بیان شخصیت و رویکرد سیاسی آیت‌الله حائری پرداخته است. مهم‌ترین نکته‌ای که دکتر حائری درباره جد خود بر آن تأکید دارد، غیر سیاسی بودن ایشان است. او می‌نویسد:

حائری روحاً فردی غیرسیاسی به‌شمار می‌رفت و به نظر نمی‌رسد که در سراسر زندگی‌اش هرگز علاقه‌مند به

درگیری در سیاست نبود... همواره کوشش داشت که گام به پهنه سیاست نهد.^۱

دکتر حائری پس از بیان تحصیلات آیت‌الله حائری در عتبات، به بیان مهاجرت‌های ایشان به اراک (در سال ۱۳۱۸ق)، سپس به نجف و کربلا (در سال ۱۳۲۴ق)، مجدداً به اراک (در سال ۱۳۳۱ق) و در نهایت به قم (در سال ۱۳۴۰ق) می‌پردازد. از نظر وی علت مهاجرت شیخ عبدالکریم از اراک در سال ۱۳۲۴ق، شکل‌گیری نهضت

مشروطه و دخالت علمای آن شهر در نهضت بود که «با ذوق حائری هماهنگ نبود». به همین علت به نجف رفت. اما این مهاجرت، «حائری را از انقلاب مشروطیت نرسانید، زیرا درست در همان هنگام، حوزه روحانی نجف در آستانه یک درگیری درازمدت در انقلاب مشروطیت قرار داشت. بنابراین حائری نجف را به قصد کربلا ترک گفت و چند سال در آنجا ماند»^۱.

اشاره دکتر حائری به عدم ذکر نام آیت‌الله حائری در میان علمای مهاجر به کاظمین در اوایل سال ۱۳۳۰ق (پس از اولتیماتوم روس)، به معنای ارائه شاهدهی دیگر برای «غیرسیاسی» بودن شیخ عبدالکریم است.^۲

عبدالهادی حائری در جمع‌بندی این قسمت از زندگی جد خویش، مجدداً می‌نویسد:

ویژگی‌های شخصی حائری او را وادار می‌کرد که از سیاست کناره‌گیرد. این کناره‌گیری به اندازه‌ای بود که در برخی از صاحب‌نظران ایجاد حیرت کرده بود.^۳

طبق تحلیل دکتر حائری، دوری آیت‌الله حائری از سیاست، برای دولت سودمند بود؛ زیرا دولت را از بسیاری از مشکلات و دردسرها رها می‌ساخت و شاید به همین سبب بود که حائری پس از ورود به قم مورد استقبال مقام‌های سیاسی قرار گرفت.^۴

نویسنده کتاب **تشیع و مشروطیت** در ادامه، پس از بیان این احتمال که «شاید نائینی و دیگر علمای [تبعیدی] بدان جهت قم را برای زیستن موقت برگزیدند که می‌خواستند از محبوبیت و نفوذ حائری به سود آرمان خویش بهره‌برند»، به موضوع نحوه مواجهه آیت‌الله حائری با مسئله تبعید علما و تبعات آن پرداخته و سه گزارش را در این زمینه ذکر کرده است:

[آقابزرگ] **تهرانی** و [شیخ محمد شریف] **رازی** هر دو می‌نویسند که حائری علمای عراق را به گرمی پذیرفت. **تهرانی** حتی می‌گوید که علما در قم مهمان حائری بودند. از سوی دیگر، **دولت‌آبادی** که از نویسندگان و ناظران همان زمان بوده، می‌نویسد که حائری برخلاف انتظار علمای تبعیدشده، خود را در مشکلات آنان درگیر نساخت و با رویدادها با احتیاط برخورد کرد و تنها به یک دیدار رسمی از علما بسنده کرد. گزارش سوم وسیله شیخ محمد **خالصی** (خالصی‌زاده) پسر شیخ مهدی **خالصی** - که هر دو نشان نیز در رویدادهای آن روزها کاملاً درگیر بودند - به دست داده شده و گزارشگر از آن است که حائری حتی مایل نبود که علمای تبعیدی در قم بمانند؛ زیرا آنان مزاحم مقام ریاست وی بودند و به همین جهت، در پنهانی با علما مبارزه و مخالفت می‌کرد.

چنین به نظر می‌رسد که **تهرانی** و **رازی** هر دو، برخی از واقعیت‌ها را از دیده دور داشته‌اند. **دولت‌آبادی** شاید کاملاً حق مطلب را ادا نکرده و **خالصی‌زاده** هم ممکن است کمی در داوری تند رفته باشد؛ ولی گزارش‌ها در مجموع، بخشی از حقیقت را بیان داشته‌اند.... حائری یک خیزش همه‌گیر را به سود همکاران روحانی خود - که

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. همان.

شاید از او انتظار می‌رفت - رهبری نکرد. نمی‌توانیم آگاهی داشته باشیم که در ژرفای دل حائری درباره توقف علما در قم چه می‌گذشته است. بنا بر خواسته‌های طبیعی بشری، نامبرده قاعدتاً مزاحمان ریاست خویش را چندان دوست نمی‌داشته است؛ ولی با در دست نبودن دلایلی بسنده و رسا، عقیده مربوط به مبارزه و مخالفت پنهانی حائری بر ضد علمای تبعیدی سخت مورد شک است.

از سوی دیگر، گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد که علمای تبعیدی خود مایل به ماندن در قم نبودند و - به نظر خالصی‌زاده - به دلایل زیر سخت می‌کوشیدند که هر چه زوتر به عراق بازگردند:

۱. علمای تبعیدی سخت نسبت به ایران بدبین بودند و به‌ویژه سیدابوالحسن اصفهانی هرگز از ایران به

خوبی یاد نمی‌کرد.

۲. علمای تبعیدی تصور می‌کردند که ریاست عامه روحانی را جز در نجف نمی‌توان به دست آورد....

۳. مخالفت و مبارزه پنهانی حائری با علمای تبعیدی (به بالا نگاه کنید).

لورن وزیر مختار انگلیس در تهران می‌گوید که مجتهدان ایران گرچه مجبور به خوشامدگویی به علمای تبعیدی بودند، ولی آنان را انگل و مزاحم امتیازهای خویش به شمار می‌آوردند. وی می‌افزاید که علمای تبعیدی دارای املاک و اموال خیره‌فرآوانی بودند و صلاح خود را در آن می‌دیدند که در نزدیک‌ترین فرصت به «مراجع» خویش بازگردند.^۱

چنان که ملاحظه می‌شود، دکتر عبدالهادی حائری به رغم اظهار تردید اولیه در موضوع ریاست‌طلبی آیت‌الله حائری و تأثیر آن در نحوه مواجهه با علما و مراجع تبعیدی - که مدعای خالصی‌زاده بود- اما اولاً، آن را نفی نکرده است. ثانیاً، در ادامه نیز با نقل قول از وزیر مختار انگلیس، همان دیدگاه را تکرار نموده است و در نتیجه این دیدگاه به خواننده القا می‌شود.

دکتر حائری در ادامه مباحث خویش، ضمن طرح جمهوری خواهی رضاخان، مجدداً موضوع دوری آیت‌الله حائری از سیاست را مطرح کرده است. او با اشاره به جلسه سه مرجع تقلید با رضاشاه در قم و سپس صدور تلگراف از سوی آن سه عالم در نفی جمهوری خواهی و تأیید ضمنی رضاخان، می‌نویسد:

گرچه او [حائری] به شرکت در سیاست کاملاً بی‌علاقه بود، ولی در داستان جمهوری‌گری و اداری گردید که گامی به سود سردار سپه [بورداد].... تلگرافی که حائری، نائینی و اصفهانی امضا کردند، نشانگر آن است که نویسندگان آن مایل نبودند آن گونه ستایش‌هایی که معمولاً سردار سپه دریافت می‌کرد، در تلگراف خود بکنجانند. به دیده ما این ویژگی متن تلگراف، تنها زائیده شرکت حائری در تنظیم و امضای آن است؛ بدین معنی که حائری نمی‌خواسته است نوشته‌ای را امضا کند که پیرامون سیاست باشد، حال موافق یا مخالف دارنده قدرت سیاسی. چنین به نظر می‌رسد که اگر آن تلگراف را تنها نائینی و اصفهانی امضا می‌کردند متن آن، جمله‌های پشتیبانی‌آمیز بیشتری دربر می‌داشت.^۲

۱. همان، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. همان، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. نقد

از مطالب دکتر عبدالهادی حائری درباره شیخ عبدالکریم حائری می‌توان یک ادعا و یک القا به دست آورد: ۱. ادعای شخصیت ذاتاً غیرسیاسی؛ ۲. القای ریاست‌طلبی. در ذیل، به بررسی انتقادی این دو می‌پردازیم:

۱-۲. شخصیت غیر سیاسی یا سیاست سکوت

استفاده دکتر عبدالهادی حائری از تعابیر و جملاتی همچون: «حائری روحاً فردی غیرسیاسی به شمار می‌رفت»؛ «همواره کوشش داشت که گام به پهنه سیاست نهد»؛ «ویژگی‌های شخصی حائری او را وادار می‌کرد که از سیاست کناره گیرد»؛ و «به شرکت در سیاست کاملاً بی‌علاقه بود»، به معنای آن است که فاصله‌گیری مؤسس حوزه قم از سیاست‌پردازی، کلی، دائمی و ذاتی بود، نه آنکه ناظر به محیط سیاسی و زمان و مکان خاص باشد و ریشه در تزاخم اهم و مهم و رعایت قدر مقدور داشته باشد.

افراد متعددی از مورخان و تحلیلگران تاریخ ایران و تشیع معاصر و نیز آشنایان به زندگی و شخصیت شیخ عبدالکریم حائری،^۱ دیدگاه و تفسیر دکتر حائری را نادرست می‌دانند. از نگاه آنها، علت اصلی فاصله‌گیری مؤسس حوزه قم از سیاست و به صورت خاص، عدم تقابل وی با رضاشاه - نه به اندیشه و شخصیت، بلکه - به شناخت خاص ایشان نسبت به محیط سیاسی ایران آن عصر بازمی‌گشت که ایران را در سلطه انگلیس می‌دید، و بر این اساس تلاش داشت تا در دوره رضاخان، در چارچوب الگوی «قدر مقدور» و اصل «تقیه»، حوزه تازه‌تأسیس قم را حفظ کند. در واقع، می‌توان گفت: آیت‌الله حائری کنشگری بود که با اتخاذ سیاست «تدبیر و سکوت»، و در مواقع حساس، مداخله، رویکرد خود را به‌ویژه در دوره رضاخان، بر اساس تنش‌زدایی کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی و تأثیرگذاری بلندمدت بنا نهاده بود.

با توجه به اینکه اولاً، دکتر حائری در زمان وفات جدش، خردسال (حدوداً دوساله) بود و ثانیاً، اشراف بر مسائل درونی و آگاهی کامل از روحيات یک فرد کاری بسیار مشکل است،^۲ طبعاً راه اثبات ادعای دکتر حائری ارائه شواهد تاریخی و مستندات کافی است.

از مطالب دکتر حائری به دست می‌آید که مهم‌ترین دلیل و مستند وی بر ادعای خویش، دو موضوع است:

۱. کناره‌گیری شیخ عبدالکریم از نهضت مشروطه و وقایع مرتبط با آن؛

۱. برای نمونه، ر.ک: آقازرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، نقیه البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۳، ص ۱۶۰۸-۱۶۱۲؛ محمد شریف رازی، آثار الحجه یا تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۴۸-۴۶ و ۶۶؛ «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی‌آقا محقق داماد»، ص ۵۹-۵۸؛ علی‌ابوالحسنی (منذر)، «رضاخان کاره‌ای نیست؛ با انگلیس طرفیم! خاطراتی ناگفته از مواضع حاج شیخ عبدالکریم حائری در برابر پهلوی اول»، ص ۹؛ موسی نجفی و موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۴۲۵-۴۲۶ و ۴۵۲؛ حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، ص ۲۳۵-۲۶۱.

۲. استاد عبدالحسین حائری در مقام نقد دیدگاه برادرش بیان می‌کند: «عبدالهادی از کجا و با کدام علم روان‌شناسی خود توانسته است روحيات جد ما را چنین تشخیص دهد؟» (ر.ک: داود امینی، چالش‌های روحانیت با رضاشاه، ص ۱۲۳).

۲. عدم اقدام جدی در تقابل با رژیم رضاشاه.

به نظر می‌رسد هر دو مورد نمی‌تواند مستند کافی برای ادعای دکتر حائری باشد.

در ذیل، با ارائه شواهد و گزارش‌های متعدد، دلایل نادرستی این دو موضوع برای اثبات ادعای دکتر حائری بیان می‌شود و ضمن آن ادعای خود را مبنی بر اینکه رویکرد مرحوم حائری در سیاست، نشئت‌گرفته از شناخت خاص وی نسبت به محیط سیاسی ایران آن عصر است، اثبات می‌کنیم:

الف) بدبینی به نهضت مشروطه؛ علت عدم دخالت در مشروطه

بر خلاف تفسیر دکتر عبدالهادی حائری، عدم ورود و موضع‌گیری آیت‌الله حائری در حوادث نهضت مشروطه و برخی از پیامدهای آن (مانند مهاجرت به کاظمین) لزوماً به معنای آن نیست که ایشان «روحاً فردی غیرسیاسی» و «به شرکت در سیاست کاملاً بی‌علاقه» بود و «ویژگی‌های شخصی» ایشان را وادار می‌کرد تا از مشروطه به خاطر سیاسی بودن کناره بگیرد؛ زیرا عالمان دیگری نیز بودند که علی‌رغم داشتن روحیه سیاسی و نقش‌آفرینی در مهم‌ترین تحولات سیاسی معاصر، به سبب پیچیدگی و آشکار نبودن ماهیت مشروطه، از ورود و اظهار نظر در باب آن خودداری کردند. بارزترین مصادیق این گروه میرزا محمدتقی شیرازی^۱ و شیخ‌الشریعه اصفهانی^۲ رهبران مشهور قیام ضد انگلیسی «ثورة العشرين» هستند که در سال ۱۹۲۰م (۱۳۳۸-۱۳۳۹ق) قیام سیاسی - نظامی را بر ضد انگلیسی‌ها مدیریت کردند. از همین رو، برخی از نویسندگان معتقدند:

آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم یزدی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی در مشروطه، موضعی کاملاً بی‌طرفانه اتخاذ کردند و به هیچ روی در مناقشات موجود میان سایر علما وارد نشدند... عدم ورود آنها در مسائل مشروطه به واسطه غیرسیاسی بودن آنها نبوده، بلکه به نظر می‌رسد ناشی از بدبینی آنها به حوادث مشروطه و احساس خطر از ایجاد دوگانگی در صف علما و مبهم بودن مفهوم مشروطه باشد.^۳

بر این اساس و بر پایه برخی اسناد، گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که در ادامه می‌آید، علت دوری‌گزینی شیخ عبدالکریم حائری از قضایای مشروطه - نه سیاسی نبودن وی، بلکه چنان که برخی نوشته‌اند - «شم سیاسی» ایشان بود که «غائله مشروطه» را «به نوعی توطئه بیگانگان» و به صورت خاص انگلیس می‌دانست و در نتیجه، «خود را در مسائل موجود درگیر نساخت»^۴؛

۱. از جمله شواهد بر اینکه کناره‌گیری آیت‌الله حائری از مشروطه به معنای غیرسیاسی بودن وی نیست،

۱. ر.ک: جبل‌المتین، سال نوزدهم، ش ۲۶، ص ۴۶ محمد ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، ص ۴۴۸-۴۵۰.

۲. ر.ک: محمد ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، ص ۲۶۴ (پاورقی).

۳. فرزاد جهان‌بین، تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان، ص ۱۲۶.

۴. فرزانه نیکوبرش، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حائری یزدی، ص ۴۲-۴۳. بر فرض عدم اطمینان به این تحلیل، و صرفاً محتمل دانستن آن، باز هم دیدگاه دکتر حائری ثابت نمی‌شود؛ زیرا براساس قاعده «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، نتیجه‌گیری دکتر حائری به چالش کشیده می‌شود.

مشارکت ایشان در کمک مالی به دولت ایران برای جلوگیری استقراض از دولت‌های انگلیس و روس است. در اعلامیه‌ای که با امضای «اتحاد علمیه کربلای معلا» در ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ صادر شد، نام «آقا شیخ عبدالکریم یزدی» به‌عنوان نفر دوم از «صورت اسامی اعانه‌دهندگان علما و طلاب کربلای معلی، زاده‌ها الله شرفاً» دیده می‌شود که مبلغ ۵ قران (ریال) کمک کرده است. صرف‌نظر از کمک مالی، متن بیانیه - که احتمالاً با مشارکت آیت‌الله حائری نگارش یافته - از اهمیت زیادی برخوردار است. در قسمتی از این بیانیه چنین آمده است:

«ان تصوروا الله ينصرکم و یتبئ اقدامکم... نصرت خداوندی یعنی: علما و دانایان، احکام الهی را تبلیغ به عبادش نمایند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، حافظ ثغور مسلمین باشند، ترغیب و تخریب مسلمین بر اجتماع و ائتلاف و ترک نفاق از حضری و بدوی نمایند... نصرت الهی آن است که تجار و صاحبان ملک و زراعت مسلمین داخله و خارجه به قدر ممکن و وسعت، به دولت اسلامی، اعانه جانی و مالی نمایند و برادران اسلامی خود را از ورطه تهدیدات اجانب و دشمنان وطن و دین برهاند و به واسطه مجاهدۀ مالی، وطن عزیز خود را از دست اجانب نجات دهند.

...پس به آواز بلند می‌گوییم که: ای علما و تجار و وزرا و حکام! و ای طلاب و وعاظ و ای کسبه و مزدبگیران! و ای فرزندان وطن ایران! به فریاد مظلومین برسید و وطن خود را از گرداب هلاکت خلاص کنید و حدیث شریف نبوی را که «من اصبح و لم یهیم لامور المسلمین فلیس منهم» به نظر داشته و در این حدیث شریف تدبیر و تأمل فرمایند!... لذا خدام شرع انور (امانی علمیه کربلای معلی) درصدد جمع‌آوری اعانه از میان خود و سایر علما و فضلا و طلاب شدند...^۱

۲. از آیت‌الله شیخ محمدعلی اراکی (از شاگردان برجسته شیخ عبدالکریم حائری) نقل شده است که پس از بیان حکایتی از مرحوم حائری درباره نوع مواجهه آخوند خراسانی و سید یزدی با مشروطیت گفتند:

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری این قضیه را برای شاگردان خویش نقل کردند و مقصودشان از نقل این حکایت آن بود که برسانند، در قضایای مشروطه امر بر آخوند [خراسانی] مشتبه شده بود و ایشان از کُنه مقاصد و مطامع دشمنان اسلام - که در پوشش مشروطیت و آزادی خواهی، پیش آمده بودند - مطلع نبودند، و الا هدفشان اجرای احکام اسلام و اصلاح امور بود.^۲

۳. آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری (از شاگردان آیت‌الله حائری و عالم مخالف و منتقد انقلاب اسلامی) با تحلیل دیدگاه آیت‌الله حائری در مشروطیت، هوشمندی سیاسی و برنامه‌ریزی حساب شده برای مؤسس حوزه قایل بود. بنا به گزارش استاد عقیمی بخشایشی، نظر آقای شریعتمداری درباره آیت‌الله حائری این بود:

او [شیخ عبدالکریم حائری] برخلاف شایعات و ظواهری که نشان می‌داد در سیاست دخالت نداشت، بسیار عاقل و اندیشمند بود و در اثر تجربیاتی که در دوره مشروطیت به‌دست آورده بود، چون در بحران مشروطیت در کانون فعالیت‌های انقلاب، یعنی در نجف اشرف به سر می‌برد، نقل و انتقالات و تبدیلات را دیده بود و اعتقاد پیدا کرده

۱. مسعود کوهستانی‌نژاد، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۷؛ نقل از: روزنامه ایران نو، سال اول، ش

۱۹۲، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ص ۱.

۲. علی ابوالحسنی (منذر)، فراتر از روش آزمون و خطا...، ص ۴۸۴-۴۸۵.

بود که در آن روز در بیشتر کارها دست‌های اجنبی در کار بوده است و می‌فرمود: ما مشروطیت را امتحان کردیم که اکثریت با ما و مسلمانان بود و منفعتش را دیگران بردند.^۱

۴. دکتر مهدی حائری فرزند شیخ عبدالکریم حائری نیز در مصاحبه انجام‌شده با ایشان درباره رویکرد سیاسی پدرش، چنین گزارش می‌کند:

آیت‌الله حائری بارها و بارها به‌طور مستقیم اظهار نظر کرده بود که من در مسائلی که از کُنه آن آگاهی ندارم، به‌هیچ‌وجه دخالت نمی‌کنم.^۲

ب) حفظ حوزه تازه‌تأسیس؛ علت عدم تقابل عملی با رضاشاه

گزارش‌ها و نقل‌های متعدد بیانگر آن است عدم تقابل و مخالفت علنی شیخ عبدالکریم حائری در قبال رضاخان، و سکوت نسبی ایشان در آن دوره، به علت شناخت ایشان از محیط سیاسی خاص آن دوره بوده و ریشه در دو امر داشته است:

۱. سلطه انگلیس بر کشور و وابستگی رضاخان به انگلیس؛

۲. لزوم حفظ حوزه علمیه تازه‌تأسیس قم و جلوگیری از فروپاشی آن.

بر این اساس، عدم مخالفت علنی و مقابله شیخ عبدالکریم حائری با رژیم پهلوی و رضاشاه به معنای «روحیه غیرسیاسی» وی نیست، بلکه مواضع و عملکرد ایشان در قبال حکومت و مسائل سیاسی - غیر از موارد خاص و حساس که مداخله می‌نمود - بر مبنای «تقیه» و در نظر گرفتن «قدر مقدور» بود و می‌کوشید با صبر و مدارا، بهانه تجاوز و خشونت را از دشمن بگیرد.

در ذیل، با ذکر گزارش‌های مستند، متعدد و نزدیک به تواتر، به اثبات این ادعا و نقد دیدگاه دکتر حائری می‌پردازیم:

گزارش آیت‌الله شیخ مرتضی حائری

مرحوم استاد عبدالحسین حائری، برادر دکتر عبدالهادی حائری، با توجه دادن به این نکته که سیاست شیخ عبدالکریم حائری پرهیز از مداخله در امور روزمره سیاسی بود تا حوزه علمیه را حفظ کند،^۳ از مرحوم شیخ مرتضی حائری (فرزند شیخ عبدالکریم و دایی عبدالحسین) نقل می‌کند:

زمانی که انگلیسی‌ها [در سال ۱۳۰۲] علما و مراجع نجف [و در رأس آنها سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت مرفقی، ج ۳، ص ۴۳-۴۴.

۲. عمادالدین فیاضی، حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)، ص ۷۹.

۳. عبدالحسین حائری در جای دیگر بیان می‌کند: آیت‌الله حائری روحیه‌ای غیرسیاسی نداشت، بلکه ایشان روحیه‌ای ضدتبلیغی [ضد شعار و تبلیغات بدون عمل] داشت و معتقد بود که تبلیغ با انجام کار است. استاد حائری با ادعای برادرش عبدالهادی مخالفت می‌ورزید و می‌گفت: من بحث‌های زیادی با او بر سر این مسئله داشته‌ام (ر.ک: داود امینی، چالش‌های روحانیت با رضاشاه، ص ۱۲۳).

و شیخ مهدی خالصی] را به ایران تبعید کرده و آنها به قم آمده بودند و پدرم به احترام ایشان درسش را تعطیل کرده بود، شیخ محمد خالصی زاده [فرزند شیخ مهدی خالصی، از روحانیان تبعیدی] پس از نماز آقایان منبر می رفت و در منبر به حاج شیخ عبدالکریم اعتراض و توهین می کرد که چرا حرکتی نکرده و با انگلیسی ها به جنگ نمی پردازد؟ پدرم یک روز خالصی زاده را احضار کرده و به وی گفت: چرا از من روی منبر بدگویی می کنی؟! گفت: چون شما در این وضعیت حساس، چنان که باید کمک نمی کنی و علم قیام را بر نمی داری. حاج شیخ پاسخ داد: می دانی من مجتهدم؟ گفت: آری. گفت: به تو حرفی می زنم، اگر مرا قانع کردی من هم می آیم و زیر پرچم شما سینه می زنم. گفت: بفرماید. حاج شیخ گفت: نظر و اعتقاد من این است که این حوزه را آماده کنم و برای آینده ایران فقیه پرورش دهم و هرچه که برای این مقصود، ضرر داشته و به آن صدمه بزند، من با آن همراهی و مساعدت نمی کنم. سیاست من این است. خالصی زاده گفت: فکر و رویه درستی است و شما حق دارید، و از پیش حاج شیخ رفت. اما دوباره دیدیم که فردا شب کارش را در انتقاد و بدگویی از حاج شیخ ادامه داد...!

گزارش و تحلیل آیت الله سیدعلی محقق داماد

آیت الله سیدعلی محقق داماد، از دیگر نوادگان شیخ عبدالکریم حائری، با تأکید بر این نکته که لازم است درباره سبک آیت الله حائری در برخورد با مسائل سیاسی دقت شود و رویدادهای آن دوره هم دقیق بررسی گردد تا بتوان «تحلیل درستی درباره موضع گیری حاج شیخ عبدالکریم ارائه داد»، در ادامه، رویکرد سیاسی شیخ عبدالکریم را تحلیل نموده، ضمن آن به موضع ایشان در قبال قیام حاج آقا نورالله اصفهانی در سال ۱۳۰۶ اشاره می کند. به گفته محقق داماد:

حاج شیخ در برابر حکومت پهلوی، یک حرکت نامرئی داشت؛ به گونه ای حرکت می کرد که مشکل آفرین نباشد... به نظر من، حاج شیخ در آن برهه، ماندگاری و استواری پایه های حوزه علمیة قم را راجح می دانست و نمی خواست با درگیری های سیاسی و وارد شدن در مسائل، از این وظیفه اصلی باز بماند. و از آن طرف، در برابر آقای حاج آقا نورالله اصفهانی و دیگر علمایی که در قم اجتماع کرده بودند [در سال ۱۳۰۶]، نه تنها موضع گیری نکرد، که تأییدشان کرد و تا جایی که می توانست، با آنان همراهی نشان داد. در برابر، رفتار ناشایست رضاخان در سخت گیری و اهانت به علمای دین، به طور رسمی موضع گیری نکرد؛ اما ناراحتی و خشم خود را نشان داد...^۲

گزارش آیت الله سیدصدرالدین صدر

مرحوم استاد عبدالحسین حائری، از آیت الله سیدصدرالدین صدر (از مراجع تقلید ثلاث پس از شیخ عبدالکریم در قم) نقل کرده است که «در جریان دستگیری فجیع و اندوهبار حاج شیخ محمدتقی باقری در حرم حضرت معصومه علیها السلام و حبس ایشان در زندان رضاخان» در آستانه سال ۱۳۰۷، شیخ عبدالکریم حائری گفته بود:

ما تنها با شخص رضاخان روبه رو نیستیم. مشکل شخص او قابل حل است، ما با دربار انگلستان روبه رو هستیم و

۱. علی ابوالحسنی (منذر) «رضاخان کاره ای نیست؛ با انگلیس طرفیم! ...» ص ۹.

۲. «مصاحبه با حضرت آیت الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ص ۵۹-۵۸. آیت الله محقق داماد در ادامه مباحث خویش درباره شیخ عبدالکریم، انقلاب اسلامی ایران را مرهون تأسیس و تکاپوی حوزه علمیة قم دانسته است (همان، ص ۶۹).

آنها می‌خواهند این اساس را برچینند و منتظرند ما هم یک اقدام تندی بکنیم و بهانه دستشان بیاید، فاتحه همه چیز را بخوانند.^۱

گزارش آقای محسن صدرا لاشراف

محسن صدرا لاشراف از سیاستمداران کهنه کار عصر پهلوی که سابقه نخست‌وزیری دوران محمدرضاشاه را نیز داشت، در بخشی از خاطرات منتشرشده خود که مربوط به اوایل سال ۱۳۰۷ است، می‌نویسد:

در قم به دیدن حاج شیخ عبدالکریم بزدی، مؤسس هیأت علمیه قم که مرد بزرگواری بود، رفتم. مرا در اتاق اندرونی خود پذیرفت و به خاطر دارم از اوضاع وقت به طوری گریه کرد که مثل باران اشک می‌بارید و گفت: «انگلیسی‌ها حقوق اسلام را گرفته‌اند و تا آن را خفه نکنند دست‌بردار نیستند».^۲

گزارش آیت‌الله سیدرضا زنجانی

آقای حسین شاه‌حسینی - که با «جبهه ملی» همکاری داشت - از آیت‌الله سیدرضا زنجانی که مدتی در قم متصدی امور شیخ عبدالکریم حائری بود، گزارش تفصیلی درباره شیوه مواجهه شیخ عبدالکریم با موضوع مقدمات کشف حجاب و آمدن آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به حضرت عبدالعظیم^ع در تیرماه ۱۳۱۴ را بیان کرده است. مطابق این گزارش، شیخ عبدالکریم در پاسخ به چگونگی موضع‌گیری در قبال کشف حجاب و دیگر اقدامات رژیم پهلوی، به آیت‌الله زنجانی گفته بود:

آقا! من خیلی فکر کردم. این مردک [رضاخان] چادرها را برمی‌دارد، عمامه‌ها را هم برمی‌دارد، این ریش‌ها را هم می‌زند...؛ همه اینها واقعیت دارد و باید در حدود توان کاری کرد... ولی اینجا (حوزه علمیه قم) هنوز ثابت و استوار نشده است. ما کوشش کردیم که پایگاه را از نجف به اینجا بیاوریم. شما آقا! اعتقاد ندارید به اینکه امیرالمؤمنین علی^ع در پاسخ به تشکی و تغلیم خانم فاطمه زهرا^ع، وقتی که صدای اذان را از مأذنه شنید که شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر می‌داد، گفت: فاطمه جان! اگر می‌خواهی این صدا باقی بماند باید یک مقدار صبر کنی...» [طبق گزارش آیت‌الله زنجانی] حاج شیخ اینها را می‌گفت و همین‌طور گریه می‌کرد و از محاسنش اشک می‌ریخت... من [زنجانی] خیلی ناراحت و متقلب شدم و گفتم: آقا! هرطور که شما صلاح می‌دانید، انجام دهید. فرمودند: «نه آقا! من اعتقاد بر این است که اگر بخواهیم این حوزه باقی باشد تا در آن افرادی را تربیت کنیم و متلاشی نشود، باید صبر و تحمل نماییم...»^۳

گزارش آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی

مرحوم آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (از شاگردان آیت‌الله حائری و از مراجع تقلید بعد از آیت‌الله بروجردی) در مصاحبه منتشر شده از ایشان (در سال ۱۳۶۱) در موضوع شخصیت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری،

۱. علی‌ابوالحسنی (منذر)، «رضاخان کاره‌ای نیست؛ با انگلیس طرفیم!...»، ص ۹.

۲. محسن صدر، خاطرات صدرا لاشراف، ص ۳۹۳.

۳. مصاحبه با آقای حسین شاه‌حسینی، ص ۲۶۶-۲۶۹.

ضمن آنکه بیان می‌کند مرحوم حائری به خاطر اقدامات خلاف دین رضاخان، «از شدت غصه... دق کرد»، در پاسخ سؤال درباره واکنش مرحوم حائری در برابر جریان کشف حجاب گفت:

[در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۱۴] ایشان بعد از اصرار زیادی که ما جمع شدیم، گردنشان گذاشتیم تلگرافی به این نره غول [رضاشاه] بزنند و ایشان حاضر نمی‌شد و می‌گفت من می‌شناسم، می‌ترسم کار را شدیدتر کند، پیرمرد را اجبار کردند تلگرافی زد. [اما رضاشاه] در جواب، یک بی‌احترامی و بی‌اعتنایی کرد و آن وقت شیخ [عبدالکریم] ما را خواست و گفت: «همین را می‌خواستید که آبروی ما را ببرد؟!»^۱

گزارش آیت‌الله شیخ محمدتقی بروجردی

آیت‌الله شیخ محمدتقی بروجردی - از شاگردان فاضل آقا ضیاء عراقی که در تهران اقامت داشت - گزارشی تفصیلی از دیدار خود با شیخ عبدالکریم حائری و ناراحتی برخی متدینان از عدم اقدام عملی آیت‌الله حائری در مبارزه با جریان کشف حجاب بیان کرده است. در این دیدار - که ظاهراً بعد از واقعه کشتار مسجد «گوهرشاد» در تیرماه ۱۳۱۴ یا پس از دستور رسمی کشف حجاب در دی‌ماه ۱۳۱۴ انجام شده بود - شیخ عبدالکریم حائری گفته بود:

اگر با شخص رضاخان طرف بودیم، می‌توانستیم به نحوی امور را چاره کنیم؛ اما ما مستقیماً با دربار امپراتوری بریتانیا و استعمار انگلیس طرف هستیم. اینها منتظرند ما اعتراض و قیام کنیم و بیایند فاتحه حوزه قم را بخوانند. رضاخان هم برود، آنها یکی دیگر جایش می‌گذارند. مشکل ما بریتانیاست.^۲

گزارش آیت‌الله شیخ محمدعلی گرامی

آیت‌الله محمدعلی گرامی (از علمای معاصر قم) درباره سلوک رفتاری و منش سیاسی شیخ عبدالکریم نقل می‌کند: مرحوم شیخ عبدالکریم... در زمان حیاتش چون می‌دانست که پهلوی به دستور انگلیسی‌ها قرار است برنامه‌هایی پیاده کند و برای این کار هر مانعی را از سر راه بر دارد، سکوت را ترجیح می‌داد؛ چون می‌دانست اگر او هم اقدام تندی کند، پهلوی اساس حوزه را هم از جا می‌کند. دیگران این را نمی‌دانستند و دائماً به مرحوم حائری فشار می‌آوردند. مرحوم آقای حاج سیدمحمد روحانی برایم نقل کرد: جلسه‌ای همراه پدرم (مرحوم حاج میرزا محمود روحانی) خدمت حاج شیخ عبدالکریم بودیم. عده‌ای از علما فشار می‌آوردند که چرا با پهلوی درگیر نمی‌شوید و او توضیح می‌داد و آنها قانع نمی‌شدند. یک وقت گفت: خدا مرا مرگ دهد تا از دست شما خلاص شوم!... مرحوم حاج شیخ ولی‌الله حیدری (پدر هم‌مباحثه‌ام) نقل کرد: یکی از علما (به نظرم مرحوم سیدمحمدتقی خوانساری) به

۱. «زندگی و زمانه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری به روایت آیت‌الله مرعشی نجفی...»، در: <https://psri.ir/?id=kqpjxkjpj>. برای اطلاع از متن و تصویر تلگراف آیت‌الله حائری به رضاشاه و پاسخ نخست‌وزیر از طرف رضاشاه، رک: حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، گزیده اسناد (در پایان کتاب)، ش ۱۳ و ۱۴.

۲. رک: علی ابوالحسنی (منذر)، «رضاخان کاره‌ای نیست؛ با انگلیس طرفیم!...» ص ۹. در واقع، آیت‌الله حائری، رضاخان را «آلتی بی‌اراده در دست‌های امپراتوری بریتانیا می‌دید» که «چنانچه موفق به سرنگونی او هم گردد، استعمار با قدرت فائقه‌ای که دارد یک رضاخان دیگر و شاید بدتر و خشن‌تر تراشیده و اهداف «خویش را پیاده خواهد کرد. (همان).

حاج شیخ می گفت: می‌دانید پهلوی می‌خواهد ایران را نصرانی کند؟ او فرمود: می‌دانم، ولی شما می‌خواهید من کاری کنم که او زودتر چنین کند!^۱

گزارش آیت‌الله شیخ حسین مظاهری

آیت‌الله حسین مظاهری، رئیس حوزه علمیه اصفهان - بدون ذکر واسطه نقل - چنین بیان می‌کرد: رضاخان با اشاره به شیخ عبدالکریم حائری و سیاست مدبرانه ایشان در برابر استبداد پهلوی گفته بود: «توب‌های مسجد گوهرشاد را من برای قم گذاشته بودم؛ سیاست این مرد نگذاشت!»^۲

در نقل دیگری از رضاخان چنین آمده است: «حساب همه علما را رسیدم، اما این یکی همچون استخوانی در گلویم مانده و نمی‌دانم با این یکی چه کنم!»^۳

۲-۲. القای انگیزه ریاست‌طلبی بر اساس منابع غیر موثق

دکتر عبدالهادی حائری در کتاب **تشیع و مشروطیت**، به رغم استفاده از منابع کثیر و با آنکه برای به‌دست آوردن برخی مراحل زندگی مرحوم میرزای نائینی به تحقیق عملی دست زده، با برادر، پسر و شاگردان آن عالم به گفت‌وگو نشسته است، ولی عجیب است که درباره نگرش جد خویش، آیت‌الله حائری یزدی، به سیاست به طور عام و مواجهه ایشان با علمای مهاجر و سنجش انگاره ریاست‌طلبی در وی به صورت خاص، از ظرفیت عظیم خانوادگی (مانند استفاده از گنجینه شفاهیات حاج شیخ مرتضی حائری و مراجعه به اسناد منتشر نشده بیت مؤسس حوزه) بهره نرفته است. در مقابل، نوشته‌های سه فرد را در کتاب می‌آورد و به‌گونه‌ای ذکر می‌کند که القا می‌شود شیخ عبدالکریم انگیزه ریاست‌طلبی داشته و برخی اقدامات و فعالیت‌های سیاسی ایشان (به صورت خاص مواجهه وی با علمای مهاجر به قم) از این انگیزه نشئت می‌گرفته است.

الف) نقد اعتبار منابع

با تأمل در شخصیت سه تن: یحیی دولت‌آبادی، محمد خالصی زاده، و سر پرسی لورن، بی‌اعتباری آنها ثابت می‌شود؛ زیرا یحیی دولت‌آبادی، به بابی و ازلی بودن شهرت داشت^۴ و ضمن دلبستگی عمیق و همراه با ستایش از نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب - که طبعاً در قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های دولت‌آبادی نسبت به دین به صورت عام و علمای شیعه به صورت خاص تأثیر داشت - در معمول تحلیل‌های خویش از انگیزه اقدامات سیاسی و

۱. محمدعلی گرامی، خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، ص ۹۹.

۲. «سخنرانی آیت‌الله مظاهری در اختتامیه همایش «هشتادمین سالگرد نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی»، اصفهان، ۱۷ مرداد ۱۳۸۴.

۳. علی ابوالحسنی (منذر)، «رضاخان کاره‌ای نیست؛ با انگلیس طرفیم! ...»، ص ۹.

۴. رک: عبدالحسین نوایی، «توضیحات و تعلیقات»، ص ۳۲۷؛ موسی نجفی، حکم نافذ آقاجنقی، ص ۱۷۱.

اجتماعی علما، تحلیل مادی ارائه می‌داد؛ چنان که کمتر عالم و فقیهی را می‌توان یافت که از تیر اتهامات وی در امان مانده باشد.^۱

شیخ محمد خالصی زاده - که در بیان نقش و فعالیت‌های سیاسی پدرش شیخ مهدی خالصی (در برهه‌های گوناگون مانند تحولات استقلال خواهی عراق به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی) دچار مبالغه شده است -^۲ به علت آنکه میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، برخلاف شیخ مهدی خالصی، پس از مدتی به عراق بازگشتند، موضع خصمانه‌ای نسبت به آنها پیدا کرد و در نوشته‌های خود با ادبیات نامناسب، مخالفت خود را بروز داد. در همین زمینه، چنان که در بخش قبل (به نقل از استاد عبدالحسین حائری) نقل شده، چون خالصی زاده موضع سیاسی شیخ عبدالکریم حائری را نیز نمی‌پسندید، در همان زمان به توهین و بدگویی از وی پرداخته بود.^۳

موضع خصمانه سفیر انگلیس نسبت به شیخ عبدالکریم و علمای مهاجر نیز -که اقداماتشان در تقابل مستقیم با سیاست‌های انگلیس بود- روشن‌تر از آن است که نیاز به تبیین داشته باشد؛ چنان که بنا بر تحقیقات صورت گرفته، سر پرسی لورن (Sir Percy Loraine) یکی از مأموران و دیپلمات‌های ورزیده بریتانیا بود که از سوی دربار انگلیس، مأموریت‌های گوناگونی برای گسترش سلطه بریتانیا بر ایران به عهده داشت و از جمله مسئول شناسایی دقیق شخصیت و روحیات رضاخان و اطلاع آن به مقامات امپراتوری بریتانیا بود تا دربار انگلیس برای حمایت از سلطنت رضاخان، تعیین تکلیف کند. وی طی تلگرافی به مقامات بریتانیا، یک سیاست مزورانه را در جهت حمایت انگلستان از رضاخان پیشنهاد کرد:

ما باید از هرگونه تظاهر به حمایت از رضاخان خودداری کنیم؛ چراکه حمایت آشکار ما موجب نابودی اش خواهد شد.^۴

بر اساس آنچه ذکر شد، هر سه فردی که دکتر عبدالهادی حائری از آنها مطالبی انتقادی و اتهاماتی علیه آیت‌الله حائری و علمای تبعیدی نقل کرده، از منتقدان و مخالفان ایشان بوده‌اند. روشن نیست چگونه دکتر حائری از این اصل بدیهی غفلت کرده است که نمی‌توان به اتهامات وارد شده از سوی افراد درباره مخالفان آنها استناد کرد؟! با تأسف، این رویکرد در بخش‌های دیگر کتاب *تشیع و مشروطیت* نیز وجود دارد. از همین زاویه، برخی

۱. برای نمونه، ر.ک: یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۱، ص ۳۷-۳۹، ۱۳۵-۱۳۷، ۳۳۸-۳۴۲؛ ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۹، ۳۴۸-۳۴۹؛ ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۳.

۲. برای نمونه، ر.ک: محمد خالصی زاده، سردار اسلام شهید آیت‌الله العظمی شیخ محمد مهدی خالصی، ص ۱۱۴ و ۱۸۲.

۳. علی ابوالحسنی (منذر) «رضاخان کارهای نیست؛ با انگلیس طرفیم! ...»، ص ۹.

۴. محمد رفیعی مهرآبادی، «مقدمه مترجم»، ص ۱۸. سر پرسی لورن متعلق به جناح سیاسی تندرو بریتانیا بود که از افراد شاخص آن، لرد کرزن است (ر.ک: جواد شیخ‌الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، ص ۲۹۳).

۵. لازم به ذکر است که بخشی از گزارش‌های دکتر حائری در زمینه ارتباط شیخ عبدالکریم حائری با علمای تبعیدی (و نیز مقدمات بازگشت علما به نجف)، به نقل از کتاب علی الوردی با عنوان «لمحات اجتماعیه فی تاریخ العراق الحدیث» آمده است. از نظر نگارندگان، نوشته‌ها و گزارش‌های علی الوردی - که دارای گرایش‌های خاص فکری بوده - از وثاقت و اتقان لازم در خصوص علما برخوردار نیست.

محققان به آسیب‌شناسی کتاب مزبور پرداخته، «قضاوت دکتر حائری در باب علما را با تکیه بر اظهارات دشمنان آنها» نقد کرده‌اند.^۱

ب) گزارش‌ها درباره زهد و ریاست‌گریزی آیت‌الله حائری

در ذیل، با استفاده از گزارش شاهدان عینی و افراد مطلع، به بررسی اتهام «ریاست‌طلبی» به آیت‌الله حائری می‌پردازیم. این گزارش‌ها بیانگر ویژگی ریاست‌گریزی، زهد و تواضع شیخ عبدالکریم است و اظهارات دکتر حائری را به‌وضوح به چالش می‌کشد:^۲

گزارش آیت‌الله سیدجمال‌الدین گلپایگانی

مرحوم آیت‌الله سیدجمال‌الدین گلپایگانی می‌گوید:

با حاج شیخ (عبدالکریم حائری) در ترن سامراء همسفر بودیم که ایشان می‌خواستند به ایران بیایند. من به ایشان گفتم: شما از کسانی هستید که بعد از آیت‌الله آقای میرزاحمدتقی شیرازی، مشاراً بالبنان [و از گزینه‌های مرجعیت] هستید. چرا به ایران می‌روید؟ ایشان گفتند: من نمی‌خواهم مرجع بشوم، می‌خواهم بروم به ایران اگر از دستم برآید خدمتی به اسلام و مسلمانان بکنم.^۳

پاسخ آیت‌الله حائری به میرزاحمدتقی شیرازی

در زمان اقامت دوم آیت‌الله حائری در اراک، میرزاحمدتقی شیرازی - که در اواخر عمر، ریاست عامه شیعیان را عهده‌دار شد - در نامه‌ای به آیت‌الله حائری از ایشان خواست به عتبات بازگردد و مرجعیت را پس از میرزا عهده‌دار شود. اما آیت‌الله حائری به این درخواست پاسخ منفی داد و نوشت: «من افق آینده ایران را شدیداً رو به تاریکی می‌بینم و وجود [را] در اینجا ضروری».^۴

نکته حایز اهمیت آنکه این پاسخ منفی مربوط به زمانی است که آیت‌الله حائری هنوز در اراک به سر می‌برد و کسی در آن زمان، فکر نمی‌کرد که اولاً، ایشان به شهر مقدس قم هجرت کند و ثانیاً، این شهر در آینده به پایگاه مرجعیت تبدیل گردد.

۱. ر.ک: علی ابوالحسنی (منذر)، شیخ‌فضل‌الله نوری و مکتب تاریخ‌نگاری مشروطیت، ص ۱۳۲-۱۳۳، ۱۷۲-۱۷۵ و ۱۷۶؛ موسی نجفی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۲۰۵.

۲. چون نوشتار حاضر درباره شیخ عبدالکریم حائری است، گزارش‌ها به ایشان اختصاص دارد. مراتب معنوی و زهد و ریاست‌گریزی علمای تبعیدی (مهاجر) باید در تحقیقات دیگری موضوع بحث قرار گیرد. برای نمونه، برای اطلاع از ویژگی‌های اخلاقی و مقامات معنوی میرزای نائینی، ر.ک: حسن صدر، تکملة أمل الأمل، ج ۵، ص ۳۷۵؛ آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ص ۵۹۴؛ محسن خرازی، روزنهایی از عالم غیب، ص ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۷۷ و ۳۸۴-۳۸۵؛ حوزه، مهر - دی ۱۳۷۵، سال سیزدهم، ش ۷۶-۷۷ (ویژه میرزای نائینی)، صفحات متعدد.

۳. ر.ک: علی کریمی جهرمی، خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت، ص ۲۸.

۴. ر.ک: علی ابوالحسنی (منذر)، «تحرك روحانیت شیعه در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۶ش»، ص ۲۷-۲۸.

گزارش‌های شاگردان شاخص

امام خمینی^ع در کتاب گرانسنگ شرح چهل حدیث، نمایی از اخلاق الهی و زهد و فروتنی استادش شیخ عبدالکریم حائری را توصیف کرده، چنین نوشته است:

من خود در علمای زمان خود، کسانی را دیدم که ریاست تامه یک مملکت، بلکه یک قطر شیعه را داشتند و سیره آنها تالی تلوی سیره رسول اکرم^ص بود. جناب استاد معظم و فقیه مکرم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که از هزار و سیصد و چهل تا پنجاه و پنج، ریاست تامه و مرجعیت کامله قطر شیعه را داشت، همه دیدیم که چه سیره‌ای داشت. با نوکر و خادم خود هم سفره و غذا بود، روی زمین می‌نشست، با اصغر طلاب مزاح‌های عجیب و غریب می‌نمود. اخیراً که کسالت داشت، بعد از مغرب، بدون ردا، یک رشته مختصری دور سرش بیچیده بود و گیوه به پا کرده در کوچه قدم می‌زد.^۱

امام خمینی^ع در جای دیگر نیز به فروتنی استادش در زمان اقامت در اراک اشاره کرده، از نهی وی نسبت به دنباله‌روی در رفت‌وآمد و پیاده‌روی خبر داده است.^۲

آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی که علاوه بر شاگردی نزد شیخ عبدالکریم، اهتمامی ویژه به اخلاق و معنویت داشت و از علمای عارف شناخته می‌شد، در مقام قضاوت درباره مؤسس حوزه می‌گوید:

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری گذشته از مقامات علمی، از معنویت سرشاری نیز برخوردار بودند و علما و بزرگان به معنویت ایشان ایمان کامل داشتند. ایشان توجهی به دنیا نمی‌کرد و مرجعیت پیش ایشان اهمیتی نداشت... به راستی به دنیا اعتنایی نداشت و این برای همه روشن بود. مرحوم حاج شیخ خیلی متواضع و فروتن بود. حتی اگر خادم او حرف خوب و منطقی می‌زد، آن را تصدیق نموده و به آن عمل می‌کرد.^۳

آیت‌الله سیدمحمد رضا گلپایگانی ضمن تأکید بر وارستگی اخلاقی استادش، شیخ عبدالکریم حائری، نقل کرده است: روزی یکی از علمای ساوه به حضور مرحوم آقای حائری آمد و در ضمن صحبت گفتند که من مردم ساوه را از تقلید حاج شیخ عبدالله مامقانی به شما برمی‌گردانم. تا این را گفت، مرحوم آقای حائری ناراحت شد و فرمودند: چرا چنین کردی؟! مگر وزن کرده بودی که علم من از ایشان بالاتر است؟! حاج شیخ آن قدر ناراحت شد که سرانجام آن آقا مسئله‌ای مطرح کرد تا ذهن حاج شیخ از آن موضوع منصرف گردد.^۴

آیت‌الله شیخ محمدعلی اراکی نیز - که مدت بیشتری از شیخ عبدالکریم حائری استفاده علمی برده بود - با ذکر این مطلب که استادش می‌گفت: «طلبه باید اعمی مسلک» و «لابشرط» باشد، نقل کرده است: «خودش هم اعمی مسلک بود» و به مسائل مادی «اعتنایی نداشت. تنها، پیشامدها و ناملایمات دینی به او صدمه می‌زد، ولی

۱. رک: روح‌الله موسوی خمینی (امام خمینی)، شرح چهل حدیث (ربیعین حدیث)، ص ۹۷.

۲. رک: محمد کاظم شمس و... (به کوشش)، مؤسس حوزه، ص ۶۰؛ همچنین، رک: عباس صادقی فدکی، «اندیشه‌ها و عملکرد آیت‌الله حائری در احیای حوزه علمیه قم»، ص ۲۱۶.

۳. رک: محمدتقی انصاریان، فقیه مؤسس، ص ۲۶۲.

۴. علی کریمی چهارمی، آیت‌الله مؤسس، ص ۶۶.

پیشامدهای دیگر مهم نبود؛ چنان که یک‌بار شخصی نزد شیخ عبدالکریم آمده و ادعا کرده بود برخی وسائل منزل وی متعلق به اوست. آیت‌الله حائری نیز بدون طلب بینه، به او داده بود.^۱

مرحوم میرزامهدی بروجردی (پیشکار حاج شیخ و مدیر اجرایی حوزه قم) با اشاره به فشارهای زیاد وارد شده به شیخ عبدالکریم حائری در دوره رضاشاه بیان می‌کند: راجع به امری حضورشان عرض نمودم که عدم اقدام در فلان امر از طرف حضرتعالی، والله موجب هتک شما در انظار می‌شود. ایشان فرمودند: والله، می‌دانم که مهتوک می‌شوم، ولی تکلیفاً غیر از این چاره ندارم.^۲

نقد استاد عبدالحسین حائری به مطالب دکتر حائری

استاد عبدالحسین حائری مطالب برادرش دکتر عبدالهادی در خصوص جدشان آیت‌الله حائری را نادرست دانسته، می‌نویسد:

ایشان [عبدالهادی حائری] در کتاب «تشیع و مشروطیت» درباره جد ما قضاوت‌هایی کرده که به نظر من صحیح نیستند؛ مثلاً، ایشان نوشته: مرحوم جد ما [حاج شیخ] به خاطر حب ریاست بوده که [با علمای تبعیدی] همراهی نکرده؛ در حالی که بنده به ضرس قاطع می‌گویم: ایشان بسیار انسان وارسته و از خود گذشته‌ای بوده است. آقای عبدالهادی در جریان مسائل حوزه نبوده و اطلاعاتش را از منابع غیر موثقی گرفته است.^۳

عبدالحسین حائری در مقام نقد قضاوت برادرشان در خصوص چگونگی مواجهه شیخ عبدالکریم با علمای تبعیدی می‌گوید:

از نظر رفتار [حاج شیخ نسبت به علمای تبعید شده از نجف اشرف] یقیناً متواضعانه‌ترین رفتار را مرحوم شیخ داشته است... شیخ عبدالکریم در برابر آقایان مهاجر کمال ادب و احترام را داشته است، تا جایی که به احترام آقایان درس خود را تعطیل می‌کند و به آقایان می‌گوید: درس بفرمایید و طلاب را هم تشویق می‌کند که در درس آقایان شرکت کنند. در همین جاست که آقای [میرزای] نائینی قاعده «بد» و قاعده «لاضرر» را درس گفته است.^۴

دو نکته پایانی

در کنار گزارش‌های فوق‌الذکر که مستقیماً حکایت از ریاست‌گزیزی شیخ عبدالکریم حائری دارد، دو نکته مهم در خور ذکر است:

۱. «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت‌الله اراکی»، ص ۴۶.

۲. علی کریمی چهرمی، آیت‌الله مؤسس، ص ۴۴-۴۶.

۳. عبدالحسین حائری خاطر نشان می‌سازد: قضاوت‌های ناپخته برادرم دکتر حائری تنها به حاج شیخ عبدالکریم محدود نمی‌شود و این رویه اشتباه به سایر قضاوت‌های ایشان در باب آقا نجفی اصفهانی و شیخ فضل‌الله نوری نیز سرایت کرده و متأسفانه با اینکه بنده بارها از اخوی خواهش کردم که نگاه دوباره‌ای به کتاب «تشیع و مشروطیت» بیندازد، توجه نکرد (احمدرضا صدری، «جد ما به شیخ فضل‌الله علاقه‌ای ویژه داشت؛ جستارهایی در اندیشه و عمل مؤسس حوزه علمیه قم در گفت‌ووشنود با زنده‌یاد دکتر عبدالحسین حائری»، ص ۹).

۴. «مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری»، ص ۱۷۲ و ۱۷۷.

۱. گزارش‌های متعددی درباره تنگدستی مالی آیت‌الله حائری و خانواده‌اش به رغم وصول اموال فراوان به ایشان در مقام مرجعیت تقلید وجود دارد. یکی از این گزارش‌ها مشاهدات خانوادگی خود دکتر عبدالهادی حائری است. دکتر حائری - که از نوادگان حاج شیخ عبدالکریم است - در شرح احوال خویش اذعان می‌کند که در یک خانواده «مذهبی، تنگدست و آبرومند» به دنیا آمده است.^۱

۲. مرجعیت و زعامت آیت‌الله حائری نه تنها آورده مالی باارزشی برای ایشان و خانواده‌اش نداشت، بلکه بار سنگینی را بر دوش وی نهاد که در نتیجه او را در معرض توهین و اتهام دیگران قرار داد. بدین سبب، هم از سوی شاه و دربار مورد اهانت قرار گرفت^۲ و هم احياناً از طرف برخی متدینان ناپخته و سیاست‌شناس، به سکوت و عافیت‌طلبی متهم گردید!^۳

بر این اساس، مرجعیت حاج شیخ نه تنها در جهت سلطه‌جویی و رفاه‌طلبی نبود، بلکه بیشتر رنگ ایشار و فداکاری داشت و در نهایت هم به گفته آیت‌الله مرعشی نجفی^۴ و نیز آیت‌الله اراکی^۵، در اثر اقدامات دین‌ستیزانه رضاخان، روز به روز لاغر شد و گویا «دق کرد» و درگذشت.

۳. جمع‌بندی

دکتر عبدالهادی حائری آثار مهمی را در زمینه تاریخ معاصر ایران به نگارش درآورده است. از آثار برجسته وی، می‌توان به کتاب‌های **نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب و تاریخ جنبش‌ها و تکیه‌های فراماسونگری در کشورهای اسلامی** اشاره کرد. برخلاف این دو اثر، کتاب دیگر وی با نام **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق** که با محوریت بررسی فعالیت‌ها و اندیشه سیاسی **میرزا محمد حسین نائینی** (و اصل آن به زبان انگلیسی و به‌عنوان رساله دکتری در خارج از ایران نگارش یافته)، دارای ایرادات جدی است.^۶ از مهم‌ترین نقدها، «عدم اصالت و اعتبار برخی منابع و مأخذ» کتاب است.^۷

۱. ر.ک: عبدالهادی حائری، آنچه گذشت؛ نقشی از نیم قرن تکاپو، ص ۱۱ و ۱۴-۱۵، همچنین برای برخی گزارش‌های دیگر درباره زهد و تنگدستی آیت‌الله حائری به رغم وصول اموال فراوان به وی، ر.ک: محمدکاظم شمس و... (به کوشش)، مؤسس حوزه، ص ۵۸؛ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، ص ۳۷۵-۳۷۶ و ۳۷۹-۳۸۰.

۲. ر.ک: حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، گزیده اسناد (در پایان کتاب)، ش ۱۳ و ۱۴.

۳. ر.ک: محمدتقی فلسفی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۸۱-۸۲.

۴. «زندگی و زمانه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری به روایت آیت‌الله مرعشی نجفی»، در: <https://psri.ir/?id=kqpjxkpxj>

۵. «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت الله اراکی»، ص ۳۹.

۶. ر.ک: علیرضا جوادزاده، «نقد و بررسی کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، ص ۲۳-۶۵؛ ذبیح‌الله نعیمیان، «ذهنیات حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، قسمت اول، ص ۱۱۹-۱۶۲؛ قسمت دوم، ص ۱۸۳-۲۳۵.

۷. علیرضا جوادزاده، «نقد و بررسی کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، ص ۴۳-۴۶؛ ذبیح‌الله نعیمیان، «ذهنیات حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، قسمت دوم، ص ۱۹۵-۲۳۲؛ علی ابوالحسنی (منذر)، شیخ فضل‌الله نوری و مکتب تاریخ‌نگاری مشروطیت، ص ۱۳۲-۱۳۳، ۱۷۲-۱۷۵ و ۱۷۶؛ موسی نجفی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۲۰۵.

دکتر حائری در کتاب **تشیع و مشروطیت**، به مناسبت، درباره شخصیت و رویکرد سیاسی **آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی** مطالبی را مطرح کرده است. از مباحث وی می‌توان یک ادعا و یک القا در خصوص **شیخ عبدالکریم** به دست آورد: ۱. ادعای شخصیت ذاتاً غیرسیاسی؛ ۲. القای ریاست‌طلبی.

در نوشتار حاضر، ادعا و القای مذکور با روش تاریخی (توصیفی و تحلیلی) و بهره‌گیری از گزارش‌های متعدد و موثق، بررسی و ارزیابی گردیده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که:

۱. برخلاف ادعای دکتر حائری، **آیت‌الله حائری** کنشگری بود که با اتخاذ سیاست «تدبیر و سکوت»، و در مواقع حساس، مداخله، رویکرد سیاسی خود را به‌ویژه در دوره **رضاخان**، بر اساس تنش‌زدایی کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی و تأثیرگذاری بلندمدت بنا نهاده بود. از مطالب دکتر حائری به دست می‌آید که مهم‌ترین دلیل و مستند وی بر ادعای خویش مبنی بر شخصیت ذاتاً غیرسیاسی مرحوم **شیخ عبدالکریم حائری**، دو موضوع است:

الف) کناره‌گیری **شیخ عبدالکریم** از نهضت مشروطه و وقایع مرتبط با آن؛

ب) عدم اقدام جدی وی در تقابل با رژیم رضاشاه.

در نوشتار حاضر، با ارائه شواهد و گزارش‌های متعدد، نادرستی استناد به این دو موضوع برای اثبات ادعای دکتر حائری روشن شد. این گزارش‌ها بیانگر آن است که فاصله‌گیری نسبی **آیت‌الله حائری** از سیاست، معلول شناخت ایشان از محیط سیاسی ایران آن عصر بود^۱ و به صورت خاص، ریشه در دو امر داشت:

الف. سلطه انگلیس بر ایران و وابستگی **رضاشاه** به انگلیس؛

ب. لزوم حفظ حوزه علمیه تازه‌تأسیس قم و جلوگیری از فروپاشی آن.

بر این اساس، چنان‌که افراد متعددی از مورخان و تحلیلگران تاریخ ایران و تشیع معاصر و نیز آشنایان به زندگی و شخصیت **شیخ عبدالکریم حائری** بیان کرده‌اند،^۲ مخالفت نکردن علنی **آیت‌الله حائری** با رژیم **پهلوی** و **رضاشاه** به معنای «روحیه غیرسیاسی» وی نیست، بلکه مواضع و عملکرد ایشان در قبال حکومت و مسائل سیاسی، بر مبنای «تقیه» و در نظر گرفتن «قدر مقدور» و «رعایت امر اہم» بود.

۲. در کتاب **تشیع و مشروطیت**، به رغم آنکه گاهی انگیزه علما از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، انجام وظایف دینی و تأمین منافع ملی ذکر شده،^۳ اما در موارد متعدد، علما به دنباطلبی و داشتن انگیزه‌های مادی و فاسد

۱. ممکن است شناخت **آیت‌الله حائری** از محیط سیاسی ایران آن عصر اشتباه ارزیابی شود. اما فرض اشتباه بودن این شناخت، خللی در نادرستی ادعای دکتر حائری وارد نمی‌سازد؛ زیرا مهم اثبات این نکته بود که فاصله‌گیری **آیت‌الله حائری** از سیاست، به معنای داشتن شخصیت غیرسیاسی وی نیست.

۲. برای نمونه، رک: آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۳، ص ۱۶۰۸-۱۶۱۲؛ محمد شریف‌رازی، آثار الحجه یا تاریخ و دائره‌المعارف حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۴۸-۴۶ و ۶۶؛ «مصاحبه با حضرت **آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد**»، ص ۵۹-۵۸؛ **علی‌ابوالحسنی (منذر)**، «رضاخان کاره‌ای نیست؛ با انگلیس طرفیم! ...»، ص ۹؛ موسی نجفی و موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۴۲۶-۴۲۵ و ۴۵۲؛ حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، ص ۲۳۵-۲۶۱.

۳. **عبدالهادی حائری**، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۲۲، ۱۲۹ و ۱۳۴.

در فعالیت‌های اجتماعی‌شان متهم شده‌اند.^۱ در همین زمینه، در خصوص شیخ عبدالکریم حائری نیز بر اساس نوشته‌های سه فرد القا می‌شود که ایشان انگیزه ریاست‌طلبی داشته و برخی اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وی - به صورت خاص مواجهه ایشان با علمای مهاجر به قم - از این انگیزه نشئت می‌گرفت. با تأمل و بررسی در شخصیت ناقلان این سخنان، بی‌اعتباری آنها ثابت گردید. از سوی دیگر، گزارش‌های متعدد شاهدان عینی و افراد مطلع که از درجه وثوق بالایی برخوردارند - و متن گزارش‌ها در صفحات قبل ذکر شد - به روشنی بیانگر ریاست‌گریزی، زهد و تواضع شیخ عبدالکریم حائری است و اظهارات دکتر حائری را به‌وضوح به چالش می‌کشد.



منابع

- ابوالحسنی (منذر)، علی، «تحرک روحانیت شیعه در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۶ش»، در: *مجموعه مقالات همایش تبیین آراء و بزرگداشت هشتادمین سالگرد نهضت آیت‌الله شهید حاج آقا نورالله اصفهانی*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.
- _____، «رضاخان کارهای نیست؛ با انگلیس طرفیم! خاطراتی ناگفته از مواضع حاج شیخ عبدالکریم حائری در برابر پهلوی اول»، *روزنامه جام جم*، ۱۳۸۳ (۱۰ دی‌ماه)، سال پنجم، ش ۱۳۳۳.
- _____، *شیخ فضل‌الله نوری و مکتب تاریخ‌نگاری مشروطیت*، چ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱.
- _____، *فراتر از روش آزمون و خطا؛ زمانه و کارنامه آیت‌الله العظمی آقا سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی*، صاحب عروه، چ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۹.
- امینی، داود، *چالش‌های روحانیت با رضائتسا، تهران، سپاس*، ۱۳۸۲.
- انصاریان، محمدتقی، *فقیه مؤسس: مرجع عظیم و مؤسس کبیر آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی*، قم، انصاریان، ۱۳۹۸.
- بصیرت‌منش، حمید، *علما و رژیم رضائتسا (نظری به عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰ش)*، تهران، عروج، ۱۳۷۶.
- ترکمان، محمد، *اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- تهرانی، آقابزرگ، *طبقات اعلام الشیعه، نباء البشر فی القرن الرابع عشر*، چ دوم، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق.
- _____، *طبقات اعلام الشیعه، نباء البشر فی القرن الرابع عشر*، ج ۳، به کوشش محمد طباطبایی بهبهانی، مشهد و تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
- جوادزاده، علیرضا، «نقد و بررسی کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، ۱۳۸۵، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۷، ص ۶۵-۲۳.
- جهان‌بین، فرزاد، *تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱.
- حائری، عبدالهادی، *آنچه گذشت؛ نقشی از نیم قرن نکاپو*، تهران، معین، ۱۳۷۲.
- _____، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- حبل‌المتین*، ۱۳۳۰ (۱۲ ربیع‌الثانی)، سال نوزدهم، ش ۳۶.
- حوزه، ۱۳۷۵، سال سیزدهم، ش ۷۶-۷۷ (ویژه میرزای نائینی).
- خرازی، محسن، *روزنه‌هایی از عالم غیب*، قم، مسجد مقدس جکمران، ۱۳۸۳.
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۶۱.
- رفیعی مهرآبادی، محمد، «مقدمه مترجم»، در: *سرپرسی لورین، شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، فلسفه، ۱۳۶۳.
- «زندگی و زمانه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری به روایت آیت‌الله مرعشی نجفی: به‌خاطر اعمال رضاخان دق کرد»
- <https://psri.ir/?id=kqjixkqj>
- سخنرانی آیت‌الله مظاهری در اختتامیه همایش هشتادمین سالگرد نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*، اصفهان، ۱۷ مرداد ۱۳۸۴ (فیلم سخنرانی موجود است).
- شرف‌رازی، محمد، *آثار الحجه یا تاریخ و دایرة‌المعارف حوزه علمیه قم*، قم، دارالکتاب، ۱۳۳۲.

- شمس، محمد کاظم، و همکاران، مؤسس حوزه: یادنامه حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- شیخ‌الاسلامی، جواد، سیمای احمدشاه قاجار، تهران، گفتار، ۱۳۶۸.
- صادقی فدکی، عباس، «اندیشه‌ها و عملکرد آیت‌الله حائری در احیای حوزه علمیه قم»، ۱۳۸۳، حوزه، سال ۲۱، ش ۱۲۵.
- صدر، حسن، تکملة اهل الأمل، تحقیق: حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ و عدنان دباغ، بیروت، درالمؤرخ العربی، ۱۴۲۹ق.
- صدر، محسن، خاطرات صدراثراف، تهران، وحید، ۱۳۶۴.
- صدری، احمدرضا، «جد ما به شیخ فضل‌الله علاقه‌ای ویژه داشت؛ جستارهایی در اندیشه و عمل مؤسس حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با زنده‌یاد دکتر عبدالحسین حائری»، ۱۳۹۶، روزنامه جوان، (۲۶ مرداد)، ش ۵۱۶۵.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقه‌های نامدار شیعه، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲.
- _____، یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی از میرزای شیرازی تا امام خمینی، قم، نوید اسلام، ۱۳۶۱.
- فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، به کوشش سیدحمید روحانی، علی دوانی، محمد رجبی و محمدحسن رجبی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- فیاضی، عمادالدین، حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- کریمی چهرمی، علی، آیت‌الله مؤسس: مرحوم آقای شیخ عبدالکریم حائری، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۲.
- _____، خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت، قم، درالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
- کوهستانی نژاد، مسعود، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، تهران، نی، ۱۳۸۵.
- گرامی، محمدعلی، خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت‌الله اراکی»، ۱۳۶۴، حوزه، سال دوم، ش ۱۲.
- «مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری»، ۱۳۸۵، حوزه، سال ۲۱، ش ۱۲۵.
- «مصاحبه با آقای حسین شاه‌حسینی»، ۱۳۸۰، تاریخ معاصر ایران، سال پنجم، ش ۱۷.
- «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ۱۳۸۳، حوزه، سال ۲۱، ش ۱۲۶.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
- نجفی، موسی، موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، چ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.
- نجفی، موسی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
- _____، حکم نافذ آفاتنجفی، ویراست دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰.
- نعیمیان، ذبیح‌الله، «ذهنیات حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، قسمت اول، در: آموزه، کتاب اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹-۱۶۲.
- _____، «ذهنیات حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، قسمت دوم، در: آموزه، کتاب دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳-۲۳۵.
- نوائی، عبدالحسین، «توضیحات و تعلیقات»، در: علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، فتنه باب، توضیحات و مقالات: عبدالحسین نوائی، تهران، بابک، ۱۳۵۱.
- نیکوبرش، فرزانه، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حائری یزدی، تهران، بین‌الملل، ۱۳۸۱.